

# جشن مهرگان

فرشته عبداله‌هی

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی  
دانشگاه شهید بهشتی

می‌گذاشتند و در این روز برای ایرانیان بازاری برپا می‌شد.<sup>۵</sup> «در کلوک خراسان رسم است که در روز مهرگان به سپاهیان و

ارتش رخت پاییزی و زمستانی می‌دهند».<sup>۶</sup>

«در این روز بود که شاه فریدون به یاری مهر هیولای اژدی‌هاک را با گرز گاو‌سار که سلاح ویژه‌ی ایزدان است با خاک یکسان کرد. هر روحانی زرتشتی آن‌گاه که رسماً جامه‌ی روحانی بر تن می‌کند، گزری به این شکل همراه دارد، یادآور مبارزه‌ی معنوی و اخلاقی که می‌خواهد با اهریمن داشته باشد. مهرگان از یک‌سو سال‌روز این پیروزی اسطوره‌ی ست و از سوی دیگر یادآور نبردهای سنگین معنوی که در پیش روست. افزون بر همه‌ی این‌ها ایمان راسخ داشتند پیمان سرنوشت‌سازی که میان اهورامزدا از یک‌سو و اهریمن از سوی دیگر بسته شده بود که دقیقاً دوره‌های مبارزه را معین می‌ساخت، در این روز بسته شده بود. زیرا ایزدمهر [=میترا] در ضمن مسوول و مراقب و حافظ تمام پیمان‌ها نیز بود.

مناسبت‌های رزمی و جنگی عید مهرگان ایجاب می‌کرد که شرکت‌کنندگان اصلی در آیین و مراسم این جشن مردان باشند و رابطه‌ی میان این جشن با فرقه‌های متأثر از خوی سپاهی‌گری رومیان از همین‌جا آغاز شد. اما از دیدگاه عمومی و اجتماعی، جشن مهرگان مردمی‌ترین جشن‌های مردم ایرانی نژاد بود. همانند گاهنبارها یکی از فرصت‌ها بود برای ذبح قربانی حیوانی و انجام مراسم دسته‌جمعی عبادت، نیایش، ولیمه و ضیافت‌دادن با اغذیه و خوراکی‌های موجود در پاییز. در این ضیافت‌ها میوه‌های رسیده و آبدار و انواع خشکبار جای شیر و ماست و پنیر تازه جشن روزهای نوروز را می‌گرفت. همانند روزهای نوروزی، دست کم توانگران و بزرگ‌زادگان به یک‌دیگر هدیه می‌دادند.<sup>۷</sup>

مهرداد بهار در مورد بعضی از جشن‌های ایران باستان به‌خصوص نوروز و مهرگان معتقد است که: «به احتمال بسیار این اعیاد، به اعیاد اقوام بزرگ‌تر می‌ماند و نه اعیاد اقوام گله‌دار، می‌بایست این اعیادی سخت کهن در نجد ایران بوده باشند و به پیش از تاریخ بازگردند و از آن اقوام بومی این سرزمین، اجداد غیرآریایی ما باشند، این اعیاد به همراه سومریان به بین‌النهرین برده شدند و دو عید ازدواج مقدس و اکتی را پدید آوردند...»

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان  
مهر بفرزای! ای نگار ماه چهر مهربان

مهربانی کن به جشن مهرگان و روز مهر  
مهربانی به، به روز مهر و جشن مهرگان  
جام را چون لاله‌گردان از نیباده رنگ

و اندر آن منگر که لاله نیست اندر بوستان<sup>۱</sup>  
□ مهرگان در آیین پیشینیان یک جشن ملی و مذهبی بود که امروزه به بوتله‌ی فراموشی سپرده شده است.

در روزشمار کهن ایرانی، روز مهر (شانزدهم)<sup>۲</sup> از ماه مهر جشن مهرگان برپا می‌شد و تا بیست و یکم مهر ماه به مدت پنج روز ادامه داشت. روز شانزدهم مهرگان کوچک و روز بیست و یکم (رام روز) مهرگان بزرگ معروف بوده است. مهرگان در نزد جنوبی‌ها از جشن نوروز باشکوه‌تر برگزار می‌شد، عده‌ی معتقد بودند که سال از فصل سرد آغاز می‌شود و حتا در دوره‌ی هخامنشی مهر ماه آغاز سال بوده است. اما آن چه مسلم است این جشن در بزرگداشت ایزد مهر برپا می‌شد که یکی از ایزدان آیین زرتشتی است که مظهر، عقد و میثاق، راستی، بیداری، نظم، دلیری و راهنمای آدمیان در تاریکی است. هم‌چنین یاری‌کننده‌ی کسانی می‌باشد که حقشان پایمال شده و کیفرسان پیمان‌شکنان است. افزون بر یکی‌بودن نام روز مهر از ماه مهر مناسبت دیگری را نیز برای برگزاری این جشن برمی‌شمرند:

«در سنت دیرین ایران، در مهرروز از ماه مهر فریدون بر بیو راسب یا اژدهاک (ضحاک) دست یافته او را در کوه دماوند به زندان افکند. آن روز را به یاد پایان فرمانروایی دشمن و آغاز پادشاهی فریدون جشن گرفتند».<sup>۳</sup>

ابوریحان بیرونی در مورد مهرگان چنین نوشته است: «شانزدهم روز از مهر ماه و نامش مهر و اندرین روز افریدون ظفر یافت بر بیوراسب جادو، آنک [آن‌که] معروف است به ضحاک و به کوه دماوند بازداشت و روزها که سپس مهرگان است، همه جشنند بر کردار آنچه [آن‌چه] از پس نوروز بود و ششم آن مهرگان بزرگ بود و رام روز نام است و بدین دانندش».<sup>۴</sup>

این عید مانند دیگر اعیاد بزرگ برای عموم مردم است. از آیین ساسانیان در این روز این بود که تاجی را که به‌صورت آفتاب بود بر سر

جشن مهرگان، همان گونه که [صورت قدیمی جشن پاییزی = آیین اکتی] در بین‌النهرین باستان مرسوم بود، شش روز طول می‌کشید که از روز شانزدهم مهر آغاز می‌گردید و آغاز آن را مهرگان عامه و پایان آن را مهرگان خاصه می‌گفتند.<sup>۸</sup>

«چنین به نظر می‌آید که جشن مهرگان هم از حالت مذهبی، سیاسی و درباری برخوردار است و هم به‌سوی جشن‌های مردمی گرایش دارد. و به عبارت دیگر در این جشن بار دیگر خاطره‌ی نهایت حدّ رشد قوه‌ی نامیه در نبات و حیوان تکرار می‌شود. از سوی دیگر یادآور پیروزی پهلوان و فرمانروا بر اژدهاک ستمگر و ظالم است. جشن مهرگان هنوز هم در میان زردشتیان کشور برگزار می‌شود و جزء جشن‌های ملی و مذهبی آنان به‌شمار می‌آید.»<sup>۹</sup>

در روز مهرگان به‌خصوص پادشاهان ساسانی تاجی مرصع و پرتوافکن بر سر می‌نهادند و سپس بار عام می‌دادند تا هدایا و تحف مرسوم را دریافت کند. جشن مهرگان در میان مردم دارای یک‌سری آداب و مراسمی بود که با تشریفات فراوان برگزار می‌شد، قبل از آغاز جشن خانه‌تکانی می‌کردند و لباس نو تهیه می‌نمودند، در روز جشن زردشتیان لباس نو می‌پوشیدند و سفره‌ی الوان می‌گسترند. کتاب **اوستا**، آینه، سرمه‌دان و شراب و گلاب و... بویژه انار روی آن می‌چیدند. اگر نوزادی در این روز متولد می‌شد، اسم او را کلمه‌ی می‌گذاشتند که واژه‌ی «مهر» در آن باشد.<sup>۱۰</sup>

«روز جشن سفره‌ی ویژه‌ی می‌گسترند که آن را «ودرین Vederin» می‌نامند. **اوستا** و ادعیه‌ی مخصوص تلاوت می‌کنند. گوسفند قربانی را در تنور بریان می‌کنند و در سفره قرار می‌دهند. گوسفند یا مرغ بریان را یشته Yashta می‌کنند، یعنی تقدیس می‌نمایند و بر آن دعاهایی از **اوستا** می‌خوانند.

«ودرین» یا سفره‌ی ویژه‌ی مهرگان بسیار جالب است. در آن انواع میوه‌های فصل و گل و ریحان و لrk (نوع آجیل) و بوهای خوش می‌نهند. خوراکی‌های دیگر عبارتند از: آتش، حلوا، نان، سیر و Siru کماج و چیمال (خوراکی که از روغن و خرما و نانی که به‌هم برآورده و چنگمال کنند). هم‌چنین خوراک ویژه‌ی «دون» درست می‌کردند که در مراسم مذهبی می‌پزند و آن عبارت است از عدس، نخود، لوبیا، شلغم و سیب‌زمینی که پس از پختن رسم بود، مقداری از آن را بر بام می‌نهادند که برای اسب مهر ایزد خوراکی باشد.»<sup>۱۱</sup>

## نتیجه

بسیاری از آداب و سنن ملی ما ایرانیان به‌خصوص جشن‌ها در حال از بین رفتن است یا به‌بوته‌ی فراموشی سپرده شده است در حالی که فرهنگ و ارزش‌های خوب گذشتگان نه تنها می‌تواند پیام‌آور صلح، دوستی، همبستگی و حتا شادی باشد و بیم و هراس فردی را از انسان‌ها برهاند و رضایت با هم بودن را نیز فراهم کند، بلکه گنجینه‌های گران‌بهایی از هویت ملی ما ایرانیان نیز محسوب می‌شوند. پس باید یاد بگیریم که آن‌چه از گذشته‌های دور باقی مانده است و جزء میراث فرهنگی ما می‌باشد به هر طریق ممکن باید حفظ و پاسداری شوند. ■

## پی‌نوشت‌ها

۱- سعد سلمان، مسعود، دیوان، ج ۲، ص ۹۴۸. ۲- با تغییر تقویم در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی که شش ماه اول سال، ۳۱ روز گردید. امروزه زرتشتیان به‌جای شانزدهم هر ماه روز ده مهر ماه را روز مهرگان می‌دانند. ۳- پورداود، ابراهیم، **آناهیتا**، ص ۱۱۲. ۴- بیرونی، ابوریحان، **التفهیم لاوائل صناعه التنجیم**، ص ۲۵۴. ۵- بیرونی، ابوریحان، **آثار الباقیه**، ص ۲۳۷. ۶- پیشین، ص ۳۳۹. ۷- بویس، مری، **جشن‌های ایرانیان**، ص ۹۰۷-۹۰۸. ۸- بهار، مهرداد، **پژوهشی در اساطیر ایران**، ص ۴۹۹ و ۴۹۹. ۹- بدیعی، مریم، **شادی‌های ملی ایران و جشن‌های زردشتی**، ص ۵۸۸. ۱۰- یاحقی، محمدجعفر، **فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی**، ص ۴۰۷. ۱۱- **فرهنگ مهر**، جشن‌های ویژه، ص ۲۹.

## منابع

۱- بویس، مری، **جشن‌های ایرانیان**، مترجم همایون صنعتی (کرمانی)، **مجموعه‌ی مقالات سرونش پیرمغان**، به کوشش دکتر کتابون مزدپور، تهران، ثریا، ۱۳۸۱. ۲- بهار، مهرداد، **پژوهشی در اساطیر ایران**، تهران، آگاه، ۱۳۸۱. ۳- بیرونی، ابوریحان، **آثار الباقیه**، مترجم دانا سرشت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳. ۴- بیرونی، ابوریحان، **التفهیم لاوائل صناعه التنجیم**، به تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، بابک، ۱۳۶۲. ۵- بدیعی، مریم، **شادی‌های ملی ایرانی و جشن‌های زردشتی**، **مجموعه‌ی مقالات سرونش پیرمغان**، به کوشش دکتر کتابون مزدپور، تهران، ثریا، ۱۳۸۱. ۶- پورداود، ابراهیم، **آناهیتا**، به کوشش مرتضی گرجی، تهران، افراسیاب، ۱۳۸۰. ۷- سعد سلمان، مسعود، **دیوان**، به تصحیح و اهتمام دکتر مهدی نوریان، ج ۲، تهران، کمال، ۱۳۶۴. ۸- **فرهنگ مهر**، جشن‌های ویژه، شماره‌ی ۵ و ۶، تهران، فروهر، (مرداد و شهریور ۱۳۶۴). ۹- یاحقی، محمدجعفر، **فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی**، تهران، سروش، ۱۳۷۵.

## ماه رمضان و شهادت علی (ع)

محمدعلی دادور (فرهاد اصفهانی)

امسال، ماه مبارک رمضان و شهادت مولای متقیان و امیرمومنان امام علی (ع) با مهرماه مصادف شده بود؛ به همین مناسبت، شعر زیر را برای عرض ارادت به آستان امام علی (ع) انتخاب کردیم:

امیر قافله‌ی آفتاب را کشتند  
چراغ قلعه‌ی اُم‌الکتاب را کشتند  
به سوگ عشق حریفان به گریه حلقه زنید  
دلیل عرصه‌ی یوم‌الکتاب را کشتند  
دگر صلاهی سلونی به آسمان نرسد  
جواب هر سخن بی‌جواب را کشتند  
ستاره‌یی که نمی‌خفت چشم بیدارش  
به خلوت حرم ماهتاب را کشتند  
بیا به خاک قیامت بریم سوز عطش  
در این کویر بلا، روح آب را کشتند  
کدام فاجعه زین سخت‌تر که در محراب  
خدای اسب و سلیح و رکاب را کشتند  
ز بام حادثه فریاد می‌زند جبریل  
که آبروی زمین، بوتراب را کشتند